

زائران عتبات گرفتار مافیای مسافربر در مهران



اول پول، دوم خدمت‌رسانی

هنوز حرکت نکرده بودیم که شایان کارت بانکی را نداشت و گرفت و مبلغ ۲ میلیون تومان به عنوان کمسیون پرداخت کرد، شید، برایم سؤال بود که این پول دقیقاً بابت چیست و چه کسی اجازه دریافت آن را دارد، اما دیگر خسته شده و نگران رودم از برنامه سفرم عقب بمانم.

با اینکه راننده هنوز کرایه‌ای از من دریافت نکرده بود ۲ میلیون تومان به شایان پرداخت کرد و اجازه حرکت گرفت و حالا نوبت او بود که در طول مسیر از مصائب مسافركشی و گرفت‌پول روز برای من روضه بخواند.

اما چیزی که من در مسیر بیشتر نگران کردم، حرف دیگری بود که گفت: «به من توضیح کردند که شما در طول مسیر می‌طعم کم تا از پرواز جا بمانید شاید مجبور شوید به غیر از کرایه ۵ میلیون تومان مسیر مهران - کرمانشاه برای رسیدن به تهران نیز مبلغ ۹ میلیون دیگر بپردازید!» من نمی‌دانم این حرف واقعاً از طرف چه کسی مطرح شده بود و نمی‌توانم صحتش را تأیید کنم؛ اما همان لحظه اضطراب تمام وجودم را گرفت چون من باید به موقع به مقصد می‌رسیدم و اگر برنامه بعدی سفرم را از دست می‌دادم، باید دوباره هزینه می‌کردم و دنبال راه دیگری می‌گشتم.

تمام مسیر نگران بودم چون از یک طرف نمی خواستم بیشتر از این هزینه کنم و از طرف دیگر می ترسیدم اگر وسط راه از خودرو پیاده شوم دیگر کسی حاضر نباشد من را به مقصد برساند، در نهایت تصمیم گرفتم فقط سکوت کنم و به مقصد برسم تا بیشتر از پول، احساس بی‌پناهی اذیت نکند!

حالا که سفر تمام شده بیشتر از مبلغ ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی که بابت پیمودن مسیر مهران تا کرمانشاه پرداخت کردم حس بی‌پناهی در ذهنم مانده و مرا آزار می‌دهد چون من یک زائر بودم که از مرز کشور وارد شده و انتظار داشتم پس از عبور از مرز دست‌کم برای ادامه مسیر یک وسیله نقلیه مشخص و مطمئن وجود داشته باشد.

می‌خواستم بدانم تاکسی رسمی کجاست، کرایه چقدر است و اگر شخصی بیشتر از نرخ واقعی پول خواست، باید به چه کسی مراجعه کنم.

وقتی تاکسی رسمی در دسترس نباشد، رخ مشخصی مقابل دیدگان مسافر قرار نگیرد و زائر عجله داشته باشد، دیگر قدرت انتخاب زیادی برایش باقی نمی‌ماند. من نمی‌گویم همه اراننده‌ها متخلف بودند و تمام حرف‌هایی که درباره شایان شنیدم درست بود، اما چیزی که خودم تجربه کردم این بود که وقتی یکی زائر خسته و تنها در مرز می‌زدان برای ادامه سفر باید به چه کسی مراجعه کند در وطن اسباب غربت می‌کند.

من از مرز مهران عبور کردم اما احساس کردم از یک مرز دیگر هم باید عبور کنم؛ مرزی میان خدمت‌رسانی رسمی و بازاری که نمی‌دانستم چه کسی قواعدش را تعیین می‌کند.

کردم بالاخره مشکل حل شده، اما هنوز خودرو حرکت نکرده بود که ناگهان فردی سر رسید و مدعی شد راننده بدون هماهنگی «شایان» حق سوار کردن مسافر را ندارد و آنجا متوجه شدم قضیه شایان ظاهراً جدی‌تر از این حرف‌هاست!

متأسفانه بین راننده و پیشکار آقای شایان درگیری لفظی شدیدی پیش آمد و اضطراب و استرس به عنوان یک زن تنها و غریب در خاک و وطن سراسر وجودم را گرفت. با توجه به پرواز، شورش معکوس قفره‌های ساعت برای رسیدن به پرواز، ظاهر چاره‌ای جز پیدا کردن و هماهنگی با شایان نداشتم!

راننده‌ها می‌گفتند در این محدوده همه خودروها برای سوار کردن مسافر باید با شایان هماهنگ کنند حتی بعضی از آن‌ها دعا می‌کردند اگر راننده‌ای بدون هماهنگی مسافر سوار کند، ممکن است در مسیر برایش دردرس ایجاد شود یا حتی مورد ضرب و شتم قرار بگیرد. من خودم چنین چیزی را ندیدم و نمی‌توانم صحت این حرف‌ها را تأیید کنم اما وقتی کی زن خانه هست و پس از یک سفر طولانی فقط می‌خواهید به تنه‌اش رسیدن بعدی بررسی‌شدن همین حرف‌ها کافی است که احساس کنید دیگر انتخاب زیادی ندارید. من فقط یک مسافر بودم، نه می‌خواستم با کسی درگیر شوم و نه توان و حوصله چنین کاری را داشتم و فقط به‌دنبال یک خودرو بودم که مرا به کرمانشاه برساند. در نهایت چاره‌ای نداشتم جز اینکه با همان فردی که او را راهنما معرفی کرده بودند، هماهنگ کنم. در حالی که انتظار داشتم فردی با هر حلیقه فسفری و مستقر در یک پایه یا کارت شناسایی آویزان بر گردن مشاهده

توبوس هانداشت.
با وجود اینکه چشم‌هایم را برای پیدا کردن گیشه
تاکسیرانی و با راهنمای زاتران در پایانه مری تیز کرد
بودم اما نگاه کنجاکو من و سایر مسافران نتیجه‌ای
نداشت و هیچ شخصی نمی‌دانست برای عزیمت به
کرمانشاه باید چگونه اقدام می‌کردیم. از آنجا که تلاش
در پایانه مری برای پیدا کردن وسیله حمل و نقل عوامی
به مقصد کرمانشاه بی‌نتیجه بود، جست‌وجوی خود را

در خارج از پایانه ادامه دادم اما خیلی زود فهمیدم پیدا کردن خودرو یک طرف ماجراست و سوار شدن به آن طرف دیگر ماجرا!

یک بانوی زائر ایرانی که نقره‌داغ شدن توسط مسافركش‌های شخصی در پرداخت کرایه، پای وی را برای بیان مشاهدات خود به تحریریه قدس کشانده است، از این اتفاق به عنوان یک بازار مافیایی یاد کرده و برای ما چنین روایت می‌کند:

«سفر برای من وقتی تمام شد که از مرز مهران عبور کردم و وارد خاک ایران شدم اما ظاهراً در دسره‌هایم تازه از همان جا شروع شده بود و من بی‌خبر بودم!

پس از سفر زیارتی چندروزه و خستگی راه بنا داشتیم هر چه زودتر خودم را به کرمانشاه برسانم. طبق برنامه ریزی باید تا ساعت ۱۰/۳۰ صبح به فرودگاه کرمانشاه می رسیدم و ادامه سفر را با هواپیما تا منزل پایان می دادم، از این روزمان برایم اهمیت بسیاری داشت.

فکر می‌کردم وقتی وارد کشور شدم در یکی از مهم‌ترین مرزهای کشور حتماً وسیله نقلیه مناسبی برای رساندن زائران به شهرهای اطراف وجود دارد اما وقتی وارد خاک ایران شدم واقعیت با تصورات من فاصله فاحشی داشت! اگرچه در پایانه مرزی اتوبوس‌های بسیاری به مقصد ایلام برای جابه‌جایی مسافران وجود داشت اما ظاهراً سایر مقاصد مانند مشهد، تهران یا کرمانشاه جاذبه‌ای برای این

خرمای زاهدی طلحه دشتستان ثبت جهانی شد

بوشهر برگزار می‌شود که برگزاری چنین رویدادهایی
 رفی ظرفیت‌های خرما و محصولات مرتبط با آن مؤثر

گانی و توسعه تجارت اداره کل صمت استان بوشهر
ن استان ارقام مختلف خرما از جمله کیکاب و زاهدی
که کیکاب از نظر میزان تولید در جایگاه نخست قرار
باز از ارقام باکیفیت و دارای ارزش افزوده بالا محسوب

مه داد: خرمای زاهدی علاوه بر مصرف به صورت
روه خشکبار نیز مورد استفاده قرار می گیرد و به دلیل

گانی و توسعه تجارت اداره کل صنعت، معدن و تجارت گفت: خرمای زاهدی تولید شده در روستای طاحه بستمان با عنوان «زاهدی طایی» در سازمان جهانی (WIPO) ثبت شده است و این اقدام می‌تواند به معرفی و فروش این محصول کمک کند.

مدیر اداره در گفت‌وگو با ایرنا با تبریک ۲۵ شهریور روز ملی زاهد: نام‌گذاری این روز در تقویم رسمی کشور نشان‌دهنده توجه و ایجاد اشتغال، تولید ارز، توسعه صادرات محصولات گران‌باز به عنوان یک غذای سالم است.

اسب با روز ملی خرما، جشنواره «مُحَبَرُون» در شهر

عمودی

۱. با یبشواز کسی رفتن - نام قدیم شهر ملک کندی ۲. ترکیه دادن - نام قدیم کاشمر - چشم و هم چشمی ۳. برادر نشکن شیشه - خودروساز برجسته آلمانی - سفیدمو شاهنامه - فعل و عمل ۴. ترکیبی حیاتی که در کبد تولید شده و به خون می‌ریزد - ساخت و پاخت - یازده ۵. پشیمانی - رهانیدن - شهری خون و قیام ۶. صوت ندا - پیشخدمت رستوران - شهری مرزی در ایلام ۷. زرد ترکی - سرقت - روشنی ۸. نازا - حرف همراهی - مادر و ورزش‌ها - قطعه خبری یا تلویزیونی ۹. نوعی آچار ۶ گوشه - درجه‌ای در ارتش‌های فرنگی معادل سرهنگ - بیلاقی خوش آب و هوا در شمال تهران ۱۰. گیاه خورشیدی - از پیامبران الهی که آرامگاهش در شوش واقع شده - گرمای شدید ۱۱. تکان - فلز مایع - کشاورز ۱۲. پول کشور آفتاب تابان - با انجام مرتب تمرینات بدنی به حفظ سلامتی خود کمک می‌کند - حافظه سخت رایانه ۱۳. گونه و جنس - مظهر
۲. با یزید بسطامی بزرگ‌ترین عارف قرن سوم هجری ۳. نام پسرانه وطنی - وقت کسی برای انجام کاری ۴. واحد ورزش والیبال ۵. طنین صدا - مخفف اگر ۶. زیبا - پول روسیه - دفتر شخص و فرد - پله اتوبوس ۷. امپراتوری روم شرقی - فکر و سگال ۸. ص و طمع - هستی - تغار چوبی - آتش گرفتن ۹. گیاهان مخفی التماس ۱۰. برخورداری از حقوق ۱۱. سیاست - عینک آفتابی - رودخانه پرآب اروپایی ۱۲. کننده - ام‌الخبائث - گوسفند جنگی - عمل و فعل ۱۳. فنی - گریبان - مالا مال - جسم ۱۴. در می‌مشهور - نام نه به معنی خشنود - سخنان بی‌پهوه ۱۵. آتش‌فشان ۱۶. جزیره سیسیل - نشانه - کتاب مقدس یهودیان ۱۷. برگ حماسی حکیم توس

تخت جمشید قربانی توسعه مرودشت



از راهی روستای مهدیه در مردودشت، بار دیگر نگرانی‌ها درباره آینده حریم درجه ۲ تخت جمشید را افزایش داده است؛ محدودی‌ای که ۱۶۰ هکتار نامرین تحرکات برای طراحی شهری در آن هست. ۱۶۰ هکتار نامرین تحرکات برای طراحی شهری در آن هست. ۱۶۰ هکتار نامرین تحرکات برای طراحی شهری در آن هست.

نخت جشید فقط مجموعه‌ای از سنگ نوشته‌ها و ستون‌های
به‌جامانده از یک تمدن باستانی نیست؛ چشم‌انداز پیرامونی اثر
جهانی نیز بخشی از هویت تاریخی آن محسوب می‌شود. از همین رو
هر گونه تغییر در ساخت‌وساز و الگوی توسعه در حریم این محوطه،
حساسیت‌های ویژه‌ای به دنبال دارد.

در چنین شرایطی، روستای مهدیه در مردودست بار دیگر به نقطه گانگونی اختلاف نظر میان مدیریت شهری و متولیان میراث فرهنگی تبدیل شده است؛ منطقه‌ای که از یک سو نیازمند ساماندهی زیرساخت‌ها و فعالیت‌های خدماتی و گردشگری است و از سوی دیگر، قرار گرفتن آن در محدوده حریم درجه ۲ تخت جمشید، امکان توسعه کالبدی بدون ملاحظات میراثی را با محدودیت مواجه می‌کند.

ماجرای آجادی تر شد که سال گذشته نقشه اولیه توسعه شهر
مرو دشت به دلیل همپوشانی با حدود ۴۶۰ هکتار از حریم درجه ۲
نخت جمشید با اعتراض کارشناسان میراث فرهنگی مواجه شد.
پس از آن، مسئولان از منتفی شدن الحاق این اراضی سخن گفتند و
موضوع برای مدتی در حاشیه قرار گرفت.

ما اکنون اظهارات محمدجواد جعفری، سرپرست پیشین پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، از انعقاد قراردادهای جدید با مشاور برای طراحی شهری در ۱۶۰ هکتار از اراضی مهدیه حکایت دارد؛ موضوعی که پرسش‌های تازه‌ای درباره سرنوشت این محدوده ایجاد کرده است.

تفاوت اصلی بر سر نحوه ساماندهی مهدیه است. دیدگاه کارشناسی میراث فرهنگی بر این است که این محدوده نباید به شکل مستقیم به بافت کالبدی شهر مرودشت تبدیل شود، بلکه می‌توان آن را با یک طرح مستقل گردشگری سامان داد؛ الگویی که ضمن رفع مشکلات خدماتی و زیرساختی، ماهیت روستا-منظر منطقه را نیز حفظ کند.

در مقابل، رویکرد مدیریت شهری بر ادغام این اراضی در طرح جامع شهر مروجست استوار است و همین تفاوت نگاه طی سال‌های گذشته موجب ادامه مکاتبات و جلسات متعدد میان دستگاه‌های مسئول شده، بدون اینکه تاکنون الگوی نهایی مورد توافق همه طرف‌ها شکل بگیرد.

شورای راهبردی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید نیز مهر سال گذشته پیشنهاد ساماندهی محدوده‌ای ۳۷ هکتاری با محوریت گردشگری را مطرح کرد؛ راهکاری که هدف آن، حل مشکلات موجود بدون توسعه کالبدی شهر در حریم تخت جمشید عنوان شد.

در این میان، بهزاد مریدی، مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان فارس با تأکید بر حساسیت موضوع اعلام کرده و زمان طرح این مسئله تاکنون «هیچ الحاق رسمی صورت نگرفته است» و مصوبه مربوط به این موضوع با مخالفت جدی وزارت میراث فرهنگی مواجه است.

روی همچنین با اشاره به اهمیت حفاظت از حریم تمدنی تخت جمشید گفته است پرونده الحاقیه همچنان در فرایند بررسی کارشناسی و بازنگری قرار دارد و اولویت اصلی در تصمیم‌گیری، حفظ منافع ملی و صیانت از میراث تمدنی کشور است.

کنون پرسش اصلی این است که ۱۶۰ هکتار مهدیه در نهایت در قالب نوسعه شهری ساماندهی خواهد شد یا الگویی مستقل با محوریت گردشگری برای آن تعریف می‌شود.

پاسخ به این پرسش، تنها تعیین کننده سر نوشت یک محدوده شهری نیست؛ بلکه می تواند بر چشم انداز پیرامونی تخت جمشید و نحوه مواجهه با توسعه شهری در مجاورت یک اثر جهانی نیز تأثیر گذار باشد.

۹۵۳۰ دول

[illegible]